

کد خبر: ۲۶۲۷۸۳

تاریخ: ۱۳۹۹/۰۲/۰۳



گفت‌وگو با عباس ملکی، دیپلمات و استاد دانشگاه شریف

## تضاد اقتصادی-سیاسی چین و ایران

**زینب اسماعیلی:** همه‌گیری بیماری جهان ۲۰۲۰ را گویی به صفحه‌ای از تاریخ سال‌هایی دور بازگردانده است؛ سال‌هایی که بیماری‌ها همه چیز را تحت الشعاع قرار می‌داد، از اندام انسان‌ها تا تاریخ و علم‌شان را. اگرچه جهان تلاش دارد با ابزارهای جدید به مبارزه با بیماری کووید ۱۹ بپردازد. روابط بین‌الملل، ارتباط کشورهای مختلف با یکدیگر با کرونا، بیش از پیش نمایان شده است؛ دوستی‌ها، تنش‌ها و رقابت‌ها تقویت شده است. در همین زمینه با عباس ملکی، دیپلمات و معاون اسبق وزیر خارجه درباره تغییرات جهان پس از کرونا و الزامات دیپلماسی ایران گفت‌وگو کردیم. از رابطه با چین تا آمریکا. ملکی معتقد است از لحاظ سیاسی، حاکمیت متمرکز و یکپارچه در پکن مایل نیست که با نزدیک شدن به ایران، برنامه‌های درازمدت حزب کمونیست را دچار خدشه کند. با این اوصاف می‌گوید که تصمیم‌گیران ایرانی به اهداف درازمدت چینی‌ها توجه داشته باشند. او اضافه می‌کند که مردم ما بیشتر از گذشته نیازمند دریافت اطلاعات واقعی و دانایی در زمینه سیاست خارجی واقع‌گرایانه هستند.

این روزها یک عبارت بسیار شنیده می‌شود: «جهان پس از کرونا». شما فکر می‌کنید این مفهوم فقط یک ترم معرفتی برای گپ‌وگفت‌های اندیشمندان خواهد بود یا تفاوت‌های زیادی بین این دو دوره وجود خواهد داشت؟

دوره پسا کرونا مفهومی ریخت‌شناسانه یا مورفولوژیک هم دارد. از یک نظر همانند گذشته و دوران پیشاکروناست. خورشید به تدریج خود را می‌نماید و روز آغاز می‌شود. طبیعت چرخه فصول خودش را دارد. انسان همان انسان صد هزار سال قبل است و با همان نیازها مانند غذا خوردن، همان احساسات مانند عشق و حسد و همان جست‌وجو برای زندگی بهتر بر مبنای روش عقلایی مانند تجارت، تولید و آموزش. از جنبه دیگر دارای تفاوت‌های اساسی با گذشته است. این فقط یک جهش ژنتیکی در ویروس کرونا نیست که اتفاق افتاده است، جهش ژنتیکی در اندام، ذهن، و روابط اجتماعی انسان نیز اتفاق افتاده است. اکثر ما با مشکل خشکی پوست به‌ویژه پوستان دست به دلیل استفاده از مواد شوینده زیاد این روزها روبه‌رو هستیم. نمی‌دانم، شاید نسل بعدی ما در برابر آگزمای پوست مقاوم شده باشد یا حساسیت پوست باعث شود که در قراردادن دست‌های مان در حالت بهداشتی و به دور از ویروس از

روش‌های دیگری استفاده کنیم.

## یعنی ابعاد انسانی که به واسطه این ویروس تحت تأثیر قرار خواهد گرفت.

بله، در ذهن ما نیز تحولی عمده صورت خواهد گرفت. اول آنکه در پسا کرونا احتمالاً انسان‌ها قدر یکدیگر را بیشتر خواهند دانست. دوم آنکه در استفاده از طبیعت، انسان از این مسابقه وحشتناک دست خواهد کشید. سراسر کره خاکی، سرزمین‌ها و آب‌ها از زخم‌های تجاوز انسان پر از آبله شده است. به تصاویر ماهواره‌ای نگاه کنید. حفره‌هایی که نشان‌دهنده استخراج از معادن روباز است و لکه‌هایی در میانه جنگل‌ها که برای کشت و زرع یا استفاده از چوب، کاملاً از درختان پاک شده است. سوم در روابط اجتماعی، تحمل و مدارا بیشتر خواهد شد. همانند وقوع حوادث شوکه‌کننده در گذشته مانند حمله مغول به ایران که در پی آن شیوع مکاتب عرفانی در ایران بیشتر شد یا پس از جنگ جهانی دوم که تا امروز مسئله مشارکت مردم در امر حکمرانی و ممانعت از اجازه‌دادن به خودمحوری و دیکتاتوری مشغله ذهنی مردمان عادی جوامع مختلف است.

## روابط بین الملل چگونه؟ نظم موجود در جهان (آنچه روابط بین الملل را می‌سازد) پس از کرونا تغییر ماهوی چندانی با قبل آن خواهد داشت؟

درباره روابط بین‌المللی در دوران پسا کرونا بیشتر باید توقف و تفکر کرد. به نظر من روابط بین‌المللی پسا کرونا به چند وضعیت گره خورده است.

۱- در آینده در چارچوب روابط بین‌الملل، نقش واحدهای سیاسی و دولت‌ها بیشتر خواهد بود. نظام سرمایه‌داری لیبرالیستی تلاش فراوان داشت که پس از جنگ جهانی دوم از نقش دولت‌های مرکزی کاسته و بر قدرت شرکت‌ها و بنگاه‌های تجاری بیفزاید؛ به‌صورتی که اکنون درآمد برخی از کمپانی‌ها از تولید ناخالص داخلی بعضی از کشورها بیشتر است. بنگاه‌های بزرگ تجاری و اقتصادی نقش در خور توجهی در سرکار آوردن و به‌زیر کشیدن دولت‌ها در این صدساله اخیر داشته‌اند. برای پیشینه‌کردن سود، این‌گونه شرکت‌ها، ابتدا خود را چندملیتی، سپس تلاش کردند تا در کشورهاییی که از ضوابط اقتصادی و مالی ضعیف‌تر برخوردارند، مستقر شده و از پرداخت مالیات فرار کنند. پسا کرونا حاکمیت نظام‌های حکومتی و دولت‌ها را تقویت کرده و بازیگران غیردولتی مانند بنگاه‌های چندملیتی و جنبش‌های زیست‌محیطی را مجبور به گردن زنهادن به دولت‌های مرکزی می‌کند. اینکه این امر تا چه اندازه به قوام دموکراسی یا گسترش قدرت حکومت‌های تمامیت‌گرا می‌انجامد، بستگی به رفتار مردم آن جامعه دارد.

۲- دومین مسئله کارایی حکومت‌هاست. با وجود شعارهای زیبا و فریبنده دولت‌ها و نظام‌ها، مردم عملکرد دولت‌های خود را در زمینه کرونا و مبارزه با بیماری کووید ۱۹ به‌عنوان یک شاخص در نظر خواهند گرفت؛ اینکه چه کسانی فداکاری کردند و به‌جای خزیدن به گوشه‌ای، در میانه میدان ایستادند و خطرات احتمالی ابتلا را به جان خریدند و فعالیت‌های بخش‌های بهداشتی، پزشکی، سیاسی و دیپلماتیک را مدیریت کردند، در پسا کرونا در میان مردم جایگاه مشخص و ممتازی خواهند یافت. دولت‌هایی که با تذبذب و بدون پایه‌های علمی با این بحران برخورد کردند، نیز با تنزل جایگاه در ذهن و رفتار مردم روبه‌رو خواهند شد. پس موقعیت کشورهاییی که

از بحران کرونا موفق بیرون آیند، مانند کشورهایی خواهد بود که از ۱۹۴۲ در میانه جنگ جهانی دوم با برنامه‌ریزی و مقاومت توانستند پیروز جنگ باشند. این بار شاید یک کنفرانس برتن وودز دیجیتال در همین روزهای میانه بحران مورد نیاز باشد تا اساس و بنیان نظام اقتصادی و مالی جهان در پسا کرونا را اندیشه و طراحی کند. امروزه ارزش‌های دیجیتال و استفاده از روش‌هایی مانند بلاک‌چین، لزوم هماهنگی مابین دولت‌ها برای چگونگی استفاده از پول، تراکنش مالی، سرمایه‌گذاری و ارتباط پول و کالا را دوچندان کرده است. اقتصاد سیاسی بین‌المللی در پسا کرونا به سمت محوری شدن ارزش‌های محیط زیست محور حرکت می‌کند؛ صرفه‌جویی، استخراج کمتر از منابع طبیعی، کمتر دست‌کاری کردن اقلیم و کاهش تولید گازهای گلخانه‌ای.

۳- در مورد نظام سیاسی بین‌المللی، به نظر می‌رسد که نظام نوین جهانی که پس از جنگ جهانی دوم از سوی نمایندگان دولت‌ها در کنفرانس سانفرانسیسکو طراحی و عمل شد، همچنان دارای قوت و ظرفیت برای ادامه‌دادن است. سازمان ملل متحد در عین حال که همه کشورها به این نهاد می‌تازند و هر کشوری بخشی از فعالیت‌ها و مصوبات آن را محکوم می‌کند، اما به صورت عمومی، ملل متحد، ارکان و سازمان‌های وابسته به آن نقشی اساسی در جلوگیری از جنگ، هماهنگی در امور جهانی و جلوگیری از زیاده‌خواهی برخی از اعضا داشته است. اصلاحات در دبیرخانه ملل متحد و فرایندهای این سازمان از جمله تصمیم‌گیری در شورای امنیت امر شایسته‌ای است، اما به نظر می‌رسد که تا نیافتن یک آلترناتیو با پیش‌زمینه درست اندیشیده‌شده و مناسب برای درازمدت، دست‌زدن به این سیستم کار مناسبی نباشد.

**به دنبال همه‌گیری کرونا، بیش از پیش واقعیت‌های جهان عریان شده و به نظر می‌رسد که کرونا سرعت رویدادها در روابط بین‌الملل را بیش از پیش کرده است. نظیر تنش بین آمریکا و چین که شدت گرفته است. هر دو کشور به ما مرتبط هستند، با آمریکا تنش داریم و با چین رفاقت. این تنش به کدام سو پیش می‌رود؟**

هر روز که می‌گذرد، تنافر و تفاوت جهت‌گیری ایالات متحده آمریکا با نظام بین‌المللی بیشتر می‌شود. تهدید به قطع پرداخت حق عضویت سالانه با سازمان بهداشت جهانی همراه با خروج از یونسکو و دیگر رفتارهای آمریکا درباره ابتکارهای بین‌المللی از جمله موافقت‌نامه تغییرات اقلیمی ۲۰۱۵ پاریس نشان‌دهنده افت منزلت و جایگاه آمریکا در تصمیم‌گیری‌های جهانی است. بنابراین از بیشتر شدن اختلافات آمریکا با دیگر کشورها ایران ضرری نمی‌بیند. جا دارد که دستگاه دیپلماسی کشور در زمینه به‌حرکت‌و‌داشتن تحرکات بین‌المللی بدون حضور آمریکا جدیت بیشتری نشان دهد. مثلا ابتکار باشگاه کشورهای تحریم‌شده از سوی آمریکا از ابتکارات جالبی است که مشخص نیست چرا وزارت امور خارجه ایران به آن اقبالی نشان نمی‌دهد. یا تبادل کالا با ارزش‌های محلی یا تهاتر ...

**در مورد بحث چین، افکار عمومی در ایران نوعی بدبینی عمومی نسبت به همکاری با این کشور، به‌ویژه اجناس چینی داشت که پس از شیوع کرونا در ایران با وجود کمک‌های چین افزایش یافته است. در حالی که چین یک قدرت بزرگ اقتصادی در جهان فعلی است، اساسا مرآوده با این کشور قابل حذف هست یا نه؟**

چین به عبارتی، اکنون کارخانه جهان است. کشوری در قاره‌ای نیست که درصد قابل توجهی از بازار کالاهای صنعتی، کشاورزی و خدمات مانند حمل‌ونقل آن به چین اختصاص نداشته باشد. در این رابطه آمریکا یکی از وابسته‌ترین کشورها به کالاهای چینی است. روابط نوین ایران و چین از ۱۹۷۲ آغاز شد. زمانی که حزب کمونیست چین به دنبال مناطقی از جهان بود که بتواند یکی از نیازهای چین را برطرف کند. سیاست درهای باز چند سال بعد رسماً اعلام شد و از آن زمان چین در اکثر سال‌ها بزرگ‌ترین طرف تجاری ایران بوده است. پس در بخش روابط اقتصادی و تجاری، ایران و چین مکمل یکدیگرند و با یک برنامه‌ریزی صحیح می‌توان همچنان به گسترش این روابط ادامه داد. به‌ویژه اینکه یکی از کریدورهای چندلایه‌ای ابتکار کمربند و جاده هم در بخش زمینی و هم در بخش دریایی با ایران ارتباط دارد. به شرط آنکه مجدداً وزیر نفت کشورمان در هفته اول انتخاب خودش شرکت‌های نفتی چینی را اخراج نکند. اما از لحاظ سیاسی، حاکمیت متمرکز و یکپارچه در پکن مایل نیست که با نزدیک شدن به ایران، برنامه‌های درازمدت حزب کمونیست را دچار خدشه کند؛ بدین معنی که سناریوهای متعدد آینده چین در اندیشکده‌های چینی مطالعه شده و همه آنها در این پیش‌شرط که روابط چین باید با آمریکای شمالی، اروپا، کشورهای عربی، آسیای مرکزی و آسیای جنوبی در حالت بهینه بوده تا ابرپروژه‌های طرح کمربند و جاده تحقق پذیرد، مشترک‌اند. چین در مشکلات سیاست خارجی ایران و اختلافات ایران با دیگر کشورها، از ایران حمایت نمی‌کند. این بدان معناست که ایران بهتر است از ظرفیت روابط اقتصادی با چین استفاده کند. در موارد دیگر مناسب است که تصمیم‌گیران ایرانی به رسالت، مأموریت و اهداف درازمدت چینی‌ها توجه داشته باشند.

**یکی از اتفاقاتی که در چند هفته گذشته رخ داد و غیرت ملی بسیاری را برآشفته پاسخ سفیر چین به سخنگوی وزارت بهداشت ایران بود. شما سال‌ها در عالم دیپلماسی کار کرده‌اید، واکنش سفیر چین را با تجربه خود چگونه ارزیابی می‌کنید؟ وزارت خارجه باید اقدامی می‌کرد یا نه؟ مثل تذکر، احضار و ...**

به نظر من هر کسی کار خودش را انجام داد. درباره اعداد و ارقام چین در زمینه بیماری کووید ۱۹ مقالات متعددی منتشر شده که برخی از ارقام زیر سؤال رفته است. دیپلمات‌های دیگر کشورها مانند آمریکا و استرالیا هم همین حرف‌ها را زده‌اند. سخنگوی وزارت بهداشت به این تردیدها توجه کرده و آن را تکرار کرد. سفیر چین از منافع کشورش دفاع کرد. به نظر من اشکالی ندارد که بحث‌های این‌چنینی در عالم مجازی شکل بگیرد. البته بهتر بود که قضاوت درباره اعداد و ارقام اعلام‌شده از طرف چینی‌ها از سوی یک نهاد علمی در ایران مطرح می‌شد.

**به نظر می‌رسد هرچه آمریکا بیشتر به دنبال مقصریابی بر سر ویروس کووید ۱۹ است و چین را به تولید این ویروس متهم می‌کند، ایران بیشتر به سمت چین گرایش پیدا می‌کند.**

من گرایش به سمت چین در ایران نمی‌بینم. ما در برخی از بخش‌ها به‌ویژه در بخش اقتصاد و انرژی با چین روابط نزدیک داریم. در بخشی از مسائل سیاسی هم با یکدیگر تفاوت نظر داریم. در چارچوب همکاری‌های آسیایی، روابط نزدیک‌تر با چین به نفع ایران است. به‌خصوص در زمینه‌هایی که آسیای مرکزی و افغانستان را نیز دخالت می‌دهد. مثلاً خط لوله گاز از ایران به چین از سمت

آسیای مرکزی، مانند خط لوله چهار شعبه گاز ترکمنستان و ازبکستان با چین. یا خط لوله نفت خام از قزاقستان به سمت چین. وزارت خارجه وظیفه‌ای برای تغییر نظر و بهبود دیدگاه افکار عمومی به سمت چین دارد یا نه؟ اساساً کاری می‌تواند بکند یا نه؟ غیر از توییت‌های چینی و حرف‌زدن چینی که به نظر می‌رسد بیشتر مخاطب آن چینی‌ها هستند نه ایران؟

دیپلماسی عمومی برای تأثیرگذاری بر دیدگاه‌های مردم در موضوعات مختلف به خصوص سیاست خارجی است. بخشی از این کار هم باید در داخل کشور انجام شود. در گذشته من هر ماه یک کنفرانس یا حداقل یک نشست برای تبیین سیاست خارجی در دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی یا دانشگاه تهران برگزار می‌کردم. این کار برای توجیه و توضیح سیاست خارجی برای مردم کوچه و بازار بود. همچنین انتشار مجلات علمی - پژوهشی برای نخبگان. مردم ما بیشتر از گذشته نیازمند دریافت اطلاعات واقعی و دانایی در زمینه سیاست خارجی واقع‌گرایانه هستند. سخنان سفیر جمهوری اسلامی ایران در پکن به نظرم این بخش را نادیده گرفته و فقط به گله‌گزاری بسنده کرده است.

**به نظر می‌رسد روابط بین‌الملل ایران محدود مانده به ارتباط با چند کشور. آیا وقت یک تجدیدنظر در روابطمان نرسیده؟**

نمی‌دانم منظور شما از تجدیدنظر در روابط به چه معناست. به نظر من روابط ایران با روسیه، چین و نسبتاً با هند مناسب است. با کشورهای اروپایی علاوه بر سایه سنگین تحریم، وجودنداشتن دیالوگ در زمینه‌هایی که دو طرف نگرانی دارند، مشهود است. سفرای ما در کشورهای اروپایی نمی‌دانم که در مورد کرونا فعال بودند یا خیر. اما صدای چندانی از آنان در رسانه‌های محل مأموریتشان شنیده نشد. درباره ایالات متحده هم حداقل تا انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا در آبان ۱۳۹۹ امیدوار باشیم که تنش بیشتر نشود. روابط منطقه‌ای ما اگرچه بد نیست اما می‌تواند گسترده‌تر و جامع‌تر شود. به خصوص رابطه با عربستان سعودی. در آسیای مرکزی و قفقاز هم روابط خوبی با این کشورها داریم اما به نظر من ظرفیت ایران در تعمیق رابطه با این کشورها بیشتر از اینهاست.

**از رابطه منطقه‌ای سخن گفتید که می‌تواند جامع‌تر شود؛ به‌ویژه رابطه با عربستان. رابطه ایران و عربستان سعودی و به تبع آن اغلب کشورهای عربی با مشکل مواجه است. چرا این مسئله حل نمی‌شود؟ چقدر عامل این تنش را در عربستان و چقدر در ایران می‌بینید؟**

دولت ایران در ابتدای شروع به کار، اولویت خود در سیاست خارجی را منطقه‌گرایی اعلام کرد. اما در این سال‌ها روابط ایران با دیگر کشورهای منطقه به روانی گذشته نبود. خصوصاً از ۱۳۹۴ و حمله به سفارت عربستان سعودی در تهران و کنسولگری این کشور در مشهد روابط دو کشور قطع شد. پیامدهای قطع روابط مابین ایران و عربستان در دیگر کشورهای عربی و اسلامی قابل توجه بود. به نظر من بخشی از این مسئله به اقدام نابجای افرادی بازمی‌گردد که در تهران سفارتخانه عربستان را آتش زدند. بخش دیگر به

جریان نوگرایی داخل خانواده سلطنتی عربستان و گرایش‌های ولیعهد سعودی به همراهی با جناح‌های راست‌گرای آمریکایی مربوط است. عربستان به این نتیجه رسیده که مشورت‌های داماد ترامپ و شرکت‌های مشاوره مالی مانند مکنزی آینده این کشور را تضمین می‌کند. عامل دیگر حضور نیروهای خارجی در منطقه خلیج فارس است؛ نیروهایی که حضور آنها به شدت حساسیت‌زاست. **با شدت گرفتن بیماری و افزایش مبتلایان، بخشی از توان دستگاه دیپلماسی بر این قرار گرفت که نشان دهد تحریم‌ها چقدر غیراخلاقی و ناجوانمردانه است؛ اما از ابتدا مشخص بود که هیچ کدام از آن راه‌ها به نتیجه برداشته شدن تحریم‌ها نمی‌رسد و تنها در جهت دیپلماسی عمومی کار کرد دارند. به نظر شما گره تحریم چگونه باز می‌شود؟ چه روشی می‌تواند این مشکل را برای همیشه از جلوی پای دیپلماسی و کشور بردارد؟**

تحریم و کرونا از این لحاظ از یک جنس هستند. یعنی هر دو تأثیرات و پیامدهای درازمدت دارند. به نظر من حتی اگر تمام شروط بی‌ربط آمریکا را هم دولت ایران برآورده کند، همه تحریم‌ها علیه ایران برداشته نخواهد شد؛ زیرا این تحریم از ماهیت و جنس‌های متعددی است و در زمینه‌های متفاوتی با اهداف گوناگون؛ پس واقع‌گرایانه‌ترین راه این است که کار کشور را به صورت‌های دیگر جلو ببریم و در عین حال در رفع تحریم‌ها بکوشیم. مسئله، رقابت سیاسی ایران با آمریکا در شاخه‌های مختلف از جمله فضای تجارت و فضای مجازی و فضای منطقه‌ای است. تحریم در فضای تجاری از ابتدای انقلاب تا امروز وجود داشته است.

### **همه‌گیری کرونا در جهان بر کاهش قیمت نفت تأثیر داشت یا عوامل دیگری مؤثر بودند؟**

قیمت جهانی نفت به پایین‌ترین مقدار خود بعد از دوره آنتی‌شوک ۱۹۸۶ رسیده است. علاوه بر شیوع کرونا که بخش تقاضا برای انرژی به‌ویژه نفت و گاز را کاهش داد، نرسیدن به توافقی مابین اوپک و کشورهای غیرعضو اوپک موسوم به اوپک پلاس، مقدار عرضه را نیز بالا برد. هنوز مشخص نیست که چرا عربستان سعودی از مصالحه با روسیه در آن زمان امتناع کرد و به جای آن سه میلیون بشکه نفت در روز به تولید خود افزود.

کمبود تقاضا و اضافه عرضه به‌علاوه نبود اطمینان به بازارهای آتی و همچنین سرازیر شدن نفت انبارشده در کشورهای عضو آژانس بین‌المللی انرژی به بازار سبب شد که قیمت نفت تگزاس امروز به ۱۵ دلار هر بشکه در بازارهای آسیایی برسد. به نظر من قیمت‌های پایین برای ترامپ مطلوب‌تر است؛ چون با بنزین با قیمت هر گالن ۹۹ سنت در برخی از ایالت‌های آمریکا، ترامپ می‌تواند مردم کوچه و بازار را به رأی دادن به خودش به جای دموکرات‌هایی که در دوره آنها قیمت بنزین هر گالن بالاتر از چهار دلار بود، جذب کند. در این میان کشورهای تولیدکننده عاقبتی جز کمتر توسعه‌یافتگی ندارند؛ چیزی که ممکن است برخی از آنها را به سمت درآمدهایی غیر از پول نفت سوق دهد؛ آن هم در زمانی که کسب و کارها بر اثر کرونا به کمترین مقدار خود از بعد از رکود ۱۹۲۹ رسیده است.

**سالی که در آن هستیم، با این روند کاهش قیمت نفت برای ایران چگونه پیش خواهد رفت؟ آیا سالی**

سخت تر از آنچه تصور می شد، در انتظار است یا مانند برخی اقتصاددانان شما معتقدید به دلیل نداشتن ارتباط مالی ایران با جهان به واسطه تحریمها به اندازه دیگر کشورها اقتصاد ایران از این بیماری متضرر نمی شود.

به نظر می رسد ایران متضرر می شود. قیمت نفت برنت در ۲۰۱۴ هر بشکه ۱۴۷ دلار بوده و حالا به ۲۸ دلار رسیده است. بودجه سال ۱۳۹۹ براساس قیمت نفت بالاتر از این حرفها بسته شده است. علاوه بر خسارت ایران از پایین بودن قیمت نفت، ایران صادرات نفت چندانی هم ندارد. گزارش ماهانه اوپک که اطلاعات خود را از مراجع رسمی دولتی کشورها می گیرد، برای ایران چیزی حدود دومیلیون و صد هزار بشکه تولید در ماه مارس ثبت کرده است.

اگر مقدار خوراک پالایشگاههای داخل کشور یک میلیون و ۹۰۰ هزار بشکه باشد، مقدار صادرات نفت ایران با علاوه کردن مقدار میعانات همراه گاز مشخص می شود. پس دولت ایران از درآمد نفت خام مقدار کمتری از آنچه در بودجه دیده، به دست می آورد. هنر مدیریت در آن است که در چنین موقعیتی، کاهش درآمد نفتی را به یک فرصت تبدیل کرده و بودجه کشور را هرچه بیشتر از درآمد نفت مستقل کند. همچنین به زنجیره ارزش نفت خام و گاز طبیعی توجه کرده و از صادرات نفت خام فاصله گرفته و به تولید برق و مواد پتروشیمی و کالاهای دیگر بپردازد.